

الگوسازی تاب‌آوری پایدار خانواده مهدوی؛ تحلیلی بر تعامل «امید» و «انتظار»

محمد باغگلی^۱

حسن ملایی^۲

چکیده

«خانواده مهدوی»، هویت خود را در امید معنادار به آینده و انتظار برای تحقق حکومت مهدوی تعریف می‌کند؛ اما در این مسیر، با واقعیت‌های اجتماعی معاصر، فشارهای روانی و تهاجم‌های فرهنگی مواجه می‌شود. داده‌های پژوهش از متون دینی و روان‌شناختی گردآوری و با روش تحلیل محتوای کیفی و رویکرد تطبیقی-تلفیقی تحلیل و مدل‌سازی شده‌اند؛ تا به این پرسش پاسخ داده شود که خانواده مهدوی چگونه می‌تواند در مسیر رسیدن به آینده، هویت خود را حفظ کند و در برابر بحران‌ها تاب‌آوری داشته باشد؟ یافته‌ها نشان می‌دهد «امید»، به عنوان سازه‌ای شناختی-انگیزشی (با سه مؤلفه هدف‌مندی، راهبرد و عاملیت) و «انتظار»، به عنوان سازه‌ای شناختی-کنشی (با سه مؤلفه ارزش‌گذاری، مسئولیت‌پذیری و صبرفعال)، می‌توانند در تعامل، زمینه تاب‌آوری خانواده در برابر بحران‌ها را فراهم کنند؛ در حالی که ضعف در یکی از این دو سازه، می‌تواند پیامدهای تربیتی و روانی نظیر سرخوردگی، خمودی، بی‌تفاوتی، فروپاشی را در خانواده داشته باشد. در مقابل، تقویت هم‌زمان امید و انتظار، خانواده را به سطح بالاتری از پایداری در برابر فشارها و توان حرکت به سوی اهداف بلند رهنمون می‌سازد. در نهایت، بر اساس تعامل این دو سازه، چهار گروه خانواده «گسسته»، «آرزومند»، «فرسوده» و «تاب‌آور» شناسایی و تحلیل شدند.

واژگان کلیدی: امید، انتظار، خانواده مهدوی، تاب‌آوری، چالش عصر غیبت.

۱. دانش‌آموخته سطح سه مرکز تخصصی مهدویت، حوزه علمیه قم، ایران (نویسنده مسئول). baghgoli@iran.ir

۲. سطح چهارحوزه علمیه قم و عضو پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا، قم، ایران. hmollaie@chmail.ir

مقدمه

انتظار برای تحقق حکومت مهدوی و امید به آینده ای روشن، بنیانی است که هویت خانواده مهدوی بر آن شکل می‌گیرد این خانواده، برخلاف الگوهای صرفاً معیشت‌محور، افقی فراتر از رفاه مادی داشته و خود را در سطح تمدنی و به عنوان سلول بنیادین تمدن نوین اسلامی، بخشی از فرآیند تحقق آینده حتمی وعده داده شده می‌داند^۱ (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۴۹۳). با این حال، خانواده مهدوی در بستر واقعیت‌های اجتماعی معاصر، در معرض فشارهای فزاینده اقتصادی، تهاجم‌های فرهنگی و فرسایش‌های روانی قرار دارد؛ وضعیتی که در مواردی به تضعیف انگیزه‌ها، تغییر اولویت‌ها و حتی دگرگونی هویت دینی خانواده منجر می‌شود. برخی خانواده‌های دغدغه‌مند در مواجهه با چالش‌های زندگی روزمره، به ورطه ناامیدی و افسردگی کشیده می‌شوند؛ برخی دیگر در روزمرگی معیشتی مستحیل می‌شوند و آرمان‌های بلند خود را به حاشیه می‌رانند؛ و گروهی به نوعی تحجر و جمود رفتاری روی می‌آورند که با پویایی و نشاط مهدوی فاصله دارد.

این وضعیت، مسئله «تاب‌آوری خانواده مهدوی» را به یکی از چالش‌های عصر غیبت تبدیل می‌کند. پرسش اصلی آن است که چرا خانواده‌ای که به طور بالقوه از چنین سرمایه‌هایی برخوردار است، در برابر فشارهای مستمر اجتماعی به شکنندگی یا تغییر ماهیت دچار می‌شود؟ و چگونه می‌تواند هویت خود را حفظ کند و در مواجهه با بحران‌ها تاب آورد؟

در ادبیات پژوهشی معاصر، برای تبیین و تقویت تاب‌آوری خانواده، راهکارهای متعددی ارائه شده است. در حوزه روان‌شناسی، نظریه امید با تأکید بر مؤلفه‌هایی چون هدف، راهبرد و عاملیت، امید را به مثابه فرایندی شناختی-انگیزشی معرفی می‌کند که به فرد در مواجهه با مسائل و بحران‌های زندگی یاری می‌رساند (Snyder et al, 2017). در سوی دیگر، متون دینی و اندیشه اسلامی، بر مفهوم «انتظار» به عنوان باوری فعال و جهت‌دهنده تأکید دارند (ملکی‌راد، ۱۳۹۵: ص ۴۷). با وجود این، برخی پژوهش‌ها، دو سازه «امید» و «انتظار» را مترادف

۱. «الْإِسْلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي صَمِنَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمُنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَضْبُوبُ وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَوَعْدًا غَيْرَ مَكْدُوبٍ».

انگاشته یا تفکیک کارکردی دقیقی میان آن دو قائل نشده‌اند. این هم‌پوشانی مفهومی، مانع درک دقیق اثرگذاری این دو متغیر بر تاب‌آوری خانواده شده است؛ در حالی که فقدان تمایز تحلیلی و مدل‌سازی تعاملی میان این دو سازه، می‌تواند به فهم ناقص از فرایند تاب‌آوری در خانواده مهدوی بینجامد.

فرضیه این پژوهش، بر این گزاره مبتنی است که دستیابی به تاب‌آوری پایدار در خانواده مهدوی، با تفکیک کارکردی دقیق و سپس ترکیب هوشمندانه دو سازه «امید» و «انتظار» است. تاب‌آوری خانواده، فرایندی تعاملی و چندبعدی و نیازمند هم‌افزایی منابع شناختی، هیجانی و معنایی است (Walsh, 2016: p. 14; Masten, 2001: p. 228). در این مدل نظری، «امید» به مثابه موتور محرک روانی عمل می‌کند. بر اساس نظریه امید، این سازه با تأمین عاملیت و ترسیم گذرگاه‌ها، نقش اصلی را در حفظ انگیزه و بازسازی مسیر ایفا می‌کند (Snyder, 2002: p. 251)؛ کارکردی که با تفسیر اسلامی از «امید صادق» به عنوان نیروی پیشران و پویایی‌بخش کاملاً سازگار است (منصوری، ۱۳۹۹: ص ۲۱۳). امید به‌تنهایی برای جهت‌دهی دقیق و تنظیم پایدار رفتار کافی نیست.

در مقابل، «انتظار» با ایفای نقش تنظیم‌گر و جهت‌نما، این انرژی روانی را هدایت می‌کند. همان‌گونه که در نظریه‌های انگیزشی، انتظار سازه‌ای شناختی و رفتاری، برای تنظیم جهت و شدت کوشش معرفی می‌شود (Eccles & Wigfield, 2002: p. 118)؛ در ادبیات مهدوی نیز انتظار پویا حالتی است که از ناخرسندی انسان از وضع موجود برمی‌خیزد و به تلاش برای ایجاد وضع بهتر و مطلوب جهت می‌دهد. این رویکرد، که در تقابل کامل با ایستایی و بی‌خیالی قرار دارد، موجب آمادگی مستمر و مسئولیت‌پذیری می‌شود (فاطمیان، ۱۴۰۳: ص ۲۷).

بر این اساس، پژوهش حاضر فرض می‌کند که بخش قابل توجهی از آسیب‌پذیری خانواده مهدوی، ناشی از اختلال در تعامل صحیح میان این دو سازه است؛ به‌گونه‌ای که برهم خوردن تعادل میان امید و انتظار، خانواده را به جای تاب‌آوری، به سمت پیامدهای آسیب‌زایی همچون «شکندگی»، «روزمردگی» و یا «جمود» سوق می‌دهد.



پژوهش‌ها اغلب هر یک از این دو مفهوم را جداگانه بررسی کرده‌اند. برخی نیز که در مقالات از هردو مفهوم نوشته‌اند، آن‌ها را مترادف گرفته و به کارکرد یکسان آن‌ها توجه کرده‌اند؛ نظیر مقاله آقای محمدهادی منصوری، با عنوان «تحلیل ویژگی‌های امید صادق در نظریه انتظار مقام معظم رهبری» (منصوری، ۱۳۹۹، شماره ۶۲) و مقاله آقای عادل فاطمیان با عنوان «تبیین نقش اندیشه انتظار در امیدآفرینی نسل جوان» (فاطمیان، ۱۴۰۳، شماره ۴۹)؛ اما نوشته‌ای که به وجه تمایز و نقش امید و انتظار در تاب‌آوری خانواده مهدوی پرداخته شده باشد، یافت نشد. لذا فرضیه این نوشته آن است که امید و انتظار دو سازه متفاوت هستند که در تعامل با هم یک مدل تاب‌آوری را ایجاد می‌کنند.

مفهوم شناسی

۱. **امید:** واژه‌ای است فارسی به معنای آرزو، چشم‌داشت، توقع، اعتماد و استواری و معادل قرآنی «رجا» در عربی، یعنی گمان و پنداری شادی‌بخش که اقتضای رسیدن به مطلوب را دارد (معین، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۱۹۴؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۵۴ و ابن منظور، ۱۴۰۴). در اصطلاح روان‌شناختی، امید سازه‌ای عمدتاً «شناختی-انگیزشی» است که طی آن فرد، تحقق هدف ارزشمندی را ممکن تلقی کرده و انرژی روانی لازم برای حرکت را در خود ایجاد می‌کند (Snyder, 1994: p. 23-25). بر این مبنا، امید فراتر از خوش‌بینی صرف، نیروی محرکه درونی است که اراده فرد را برای تداوم تلاش در مواجهه با موانع، حتی در غیاب شواهد قطعی، سامان می‌بخشد و به چرایی پایداری پاسخ می‌دهد.

۲. **انتظار:** در لغت به معنای درنگ کردن، نگهبانی و چشم‌به‌راه بودن است (معین، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۳۶۴؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۷، ص ۵۳۹ و نفیسی، ۱۳۵۵: ج ۱، ص ۴۰۸). این واژه به کیفیتی درونی اشاره دارد که به پیدایش حالت آمادگی برای امر مورد انتظار می‌انجامد (موسوی اصفهانی، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۱۷۶). در رویکرد علمی، انتظار سازه‌ای عمدتاً «شناختی-کنشی» است که طی آن، فرد آینده را بر اساس ارزیابی واقع‌بینانه از شواهد، محتمل دانسته و رفتار خود را برای دستیابی به آن تنظیم می‌کند (Wigfield & Eccles, 2000: p. 75)؛ اما در اندیشه

مهدوی، انتظار یک راهبرد وجودی و عملیاتی است که بر یقین به تحقق وعده قطعی الهی و تلاش آگاهانه برای آماده‌سازی استوار است. این مفهوم، فراتر از چشم‌به‌راهی منفعلانه، به معنای نوعی آماده‌باش دائمی فردی و اجتماعی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ص ۵۵)؛ به گونه‌ای که فرد منتظر را از ناخرسندی نسبت به وضع موجود به سمت هم‌شکل‌سازی هوشمندانه زندگی حال بر اساس مختصات آن آینده مطلوب سوق می‌دهد. در این فرآیند، ارزش عمل، پویایی و مسئولیت‌پذیری، به درک ظهور گره نخورده و فرد با زیستی زمینه‌ساز، در تمام عرصه‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گام برمی‌دارد (آخوندی، ۱۳۸۶: ص ۱۵۴).

۳. خانواده مهدوی: در این پژوهش، خانواده‌ای است که هویت خود را در نسبت معنادار با انتظار ظهور تعریف می‌کند و تلاش دارد سبک زندگی خود را با آن تنظیم کند. رسالت اصلی خود را خود سازی و تربیت نیروی انسانی متعهد و نسل ولایت‌مدار برای مقابله با بحران‌های خانوادگی و اجتماعی می‌داند. این خانواده تلاش می‌کند در دوران غیبت، بستری امن و متعالی برای یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و اصلاح جامعه فراهم آورد (ملایی، ۱۴۰۴: ص ۱۵).

۴. تاب‌آوری پایدار: «تاب‌آوری» فرآیندی است که طی آن، خانواده، توانایی سازگاری با بحران‌ها و چالش‌های مخرب زندگی را پیدا می‌کند (Waller, 2001: p. 294–295). این مفهوم صرفاً به معنای زنده ماندن یا مدیریت شرایط استرس‌زا نیست، بلکه به ظرفیت خانواده برای ترمیم و بازایی و حتی رشد و قوی‌تر شدن در نتیجه رویارویی با آن چالش‌ها اشاره دارد (Walsh, 1996: p. 262)؛ در وضعیتی که چالش‌ها گذرا نیستند و خانواده با افق زمانی نامشخصی روبه‌روست، پایداری تضمین می‌کند که فرآیند رشد و بازایی مقطعی نبوده و خانواده راه‌هایی برای تجدید مداوم منابع روانی و معنوی خود ایجاد کرده است (بهرام جوکار، بی‌تا: ص ۴).

گذار از «نظریه امید» به «امید صادق»

نظریه امید

در روان‌شناسی مثبت‌گرا، «امید»، یکی از سازه‌های تبیین پایداری روانی و مواجهه مؤثر با



چالش‌ها مطرح شده است (Seligman & Csikszentmihalyi, 2000: p. 7). در این میان، نظریه امید چارلز ریچارد اسنایدر پرارجاع‌ترین الگوی مفهومی در این حوزه به شمار می‌رود. امید در این نظریه، فرایندی شناختی-انگیزشی و معطوف به هدف است که بستر و چارچوب دو مؤلفه دیگر، یعنی «راهبرد» و «عاملیت» را فراهم می‌کند:

هدف: یکی از ابعاد کلیدی این نظریه است و هر چیزی را شامل می‌شود که فرد مایل است آن را به دست آورد یا تجربه ایجاد کند و دارای ماهیتی معنادار و ارزشمند و بار عاطفی است؛ به‌گونه‌ای که آینده را امری قابل شکل‌دادن در عمل کند (Snyder, 1994: p. 5- 8; Snyder, 2002: p. 250).

راهبرد: باور فرد به توانایی طراحی مسیرهای متنوع و انعطاف‌پذیر، برای دستیابی به هدف است. این مؤلفه پیش‌بینی موانع، ایجاد مسیرهای جایگزین و بازسازی شناختی مسیرها در مواجهه با بن‌بست‌ها را شامل می‌شود و در تعامل با مؤلفه عاملیت، نقش اساسی در حفظ و تقویت امید ایفا می‌کند (Snyder, 2002: p. 251).

عاملیت: بُعد انگیزشی امید است که شامل باور به توان آغاز، حفظ و تداوم حرکت در مسیر دستیابی به هدف را شامل می‌شود. این مؤلفه با احساس تعهد، پایداری در برابر موانع و گزاره‌های خودانگیزشی مانند «من می‌توانم» شناخته می‌شود و در تعامل با مؤلفه راهبرد، نقش اساسی در حفظ امید ایفا می‌کند (همان؛ پرچم و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۸ - ۱۲).

امید صادق

بررسی آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که «امید» به دلیل متعلق آن و یا عوامل و موانع ایجاد کننده‌اش، به دو قسم صادق و کاذب تقسیم می‌شود (منصوری، ۱۳۹۹: ص ۲۱۲ و خلیلیان شلمزاری، ۱۴۰۰: ص ۱۳-۱۰). امید صادق به رضای الهی معطوف و با حقیقت وجودی انسان هماهنگ است^۱ (زمر: ۵۳) و از معرفت و یقین سرچشمه می‌گیرد. امید کاذب در وسوسه‌های

۱. «قُلْ يُعْبَادِي الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»؛ بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.

نفسانی و القائنات شیطانی ریشه دارد و به آرزوهای فریبنده می‌انجامد^۱ (نساء: ۱۱۹). در هر دو رویکرد قرآنی و روان‌شناختی، امید به معنای دستیابی به هدف همراه با تلاش است؛ با این تفاوت اساسی که روان‌شناسی تجربی، از جمله در نظریه امید استایدر، به داوری ارزشی درباره مطلوبیت متعلق امید وارد نمی‌شود و هر هدفی را برای فرایند امید قابل قبول می‌داند. در مقابل، در مکتب قرآن، مطلوب بودن متعلق و الاهی بودن آن شرط لازم برای صدق امید محسوب می‌شود؛ چرا که امید واقعی تنها باید به خداوند تعلق گیرد و غایاتی که انسان بدان‌ها امید می‌بندد، در نهایت به خداوند ختم شود (محققان و پرچم، ۱۳۹۰: ص ۷).

ابعاد امید از منظر قرآن کریم

هدف: از منظر قرآن کریم، هدف مطلوب انسان، معطوف به رضا و با هدف الاهی همسو است (هود: ۱۱۸ و ۱۱۹) و به اغراض صرفاً مادی یا زودگذر محدود نمی‌شود. معیار مطلوبیت، هماهنگی با ارزش‌ها و اصول الاهی و انسانی است، نه صرف امکان تحقق. بر این اساس، اهدافی که آدمی را به سوی معنویت و خداوند سوق می‌دهند و از قبل، از سوی خدا تعیین شده‌اند؛ مطلوبند؛ چرا که خداوند از وعده خود تخلف نمی‌کند^۲ (آل عمران: ۱۹۴). البته با مشروط ساختن تحقق اهداف به عمل صالح در دنیا، انسان را نسبت به زندگی دنیوی متعهد می‌سازند و برای رسیدن به هدف والا آماده می‌کنند^۳ (کهف: ۱۱۰). بدین ترتیب قرآن با معرفی هدف‌هایی الاهی، ضمن

۱. «وَأَصْلَتْهُمْ وَآمَنَتْهُمْ وَآمَنَتْهُمْ فَلْيَبْتَئِكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَمِ وَآمَنَتْهُمْ فَلْيَغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا»؛ و آن‌ها را گمراه می‌کنم! و به آرزوها سرگرم می‌سازم! و به آنان دستور می‌دهم که [اعمال خرافی انجام دهند، و] گوش چهارپایان را بشکافند، و آفرینش پاک خدایی را تغییر دهند! [و فطرت توحید را به شرک بیالایند!] و هر کس، شیطان را به جای خدا ولی خود برگزیند، زیان آشکاری کرده است.

۲. «رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَ لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَأَتْخِلُفُ الْمِعَادَ»؛ پروردگارا! آنچه را به وسیله پیامبران به ما وعده فرمودی، به ما عطا کن! و ما را در روز رستاخیز، رسوا مگردان! زیرا تو هیچ گاه از وعده خود، تخلف نمی‌کنی.

۳. «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»؛ بگو: من فقط بشری هستم مثل شما؛ [امتیازم این است که] به من وحی می‌شود که تنها معبودتان معبود یگانه است؛ پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند!.

قرار دادن انسان در مسیر تکامل، موجب تعهد به زندگی دنیا و ایجاد امید و آرامش در پرتو حفظ اصول و ارزش‌های الهی و انسانی می‌شود.

راهبرد: به توانایی تشخیص، انتخاب و پیگیری مسیرهای دستیابی به اهداف الهی اطلاق می‌شود؛ مسیرهایی که در بستر زندگی دنیوی و در چارچوب سنت الهی^۱ (فتح: ۲۳) شکل می‌گیرند. دست آفرینش الهی مسیر تکوین و تکامل انسان را چنان براساس سنت، یعنی قاعده و قانون مستحکم رقم زده است که انحراف و تخلف از آن امکان پذیر نیست^۲ (فاطر: ۴۳). هر قانونی موضوع و نتیجه‌ای دارد که اگر انسان خود را با موضوع منطبق کند، نتیجه حتما مترتب می‌شود: ﴿وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾؛ و این که اگر آن‌ها [جن و انس] در راه [ایمان] استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم! (جن: ۱۶) (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۱/۰۴/۰۷). این، مبتنی بر نظام خلقت او و در چارچوب اصل علیت و هدف‌مندی آفرینش تحقق می‌یابد. فایده چنین قوانین و سنت‌هایی، این است که در زندگی انسان ارزش سازندگی دارد و انسان با شناخت آن‌ها هرگاه به آن نیاز داشت، با تحقق شرط، جزا را محقق می‌سازد^۳ (ابراهیم: ۷) (آقاجانی، ۱۳۹۹: ص ۸۳ و ۱۱۷).

عاملیت: بُعد انگیزشی امید است که بر اطمینان قلبی به وعده یاری الهی در مسیر سنت‌های الهی استوار است^۴ (محمد: ۷). در این سطح، گزاره خودانگیزشی «من می‌توانم» بر

۱. «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»؛ این سنت الهی است که در گذشته نیز بوده است؛ و هرگز برای سنت الهی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت.

۲. «أَسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السَّيِّئِ وَ لَا يَجِئُ الْمَكْرَ السَّيِّئِ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا»؛ این‌ها همه بخاطر استکبار در زمین و نیرنگ‌های بدشان بود؛ اما این نیرنگ‌ها تنها دامان صاحبانش را می‌گیرد؛ آیا آن‌ها چیزی جز سنت پیشینیان و (عذاب‌های دردناک آنان) را انتظار دارند؟! هرگز برای سنت خدا تبدیل نخواهی یافت، و هرگز برای سنت الهی تغییری نمی‌یابی!

۳. «وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»؛ و (همچنین به خاطر بیاورید) هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: «اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود؛ و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است!».

۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّصِرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامُكُمْ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.

توان شخصی با توکل آگاهانه و مدد الهی مبتنی می‌شود که کفایت لازم و نهایی خدا برای انسان است تا هراس، نگرانی و تنهایی، جای خود را به اطمینان تحقق چیزی بدهد که امر الهی متعلق آن است،^۱ (طلاق: ۳). انسان مادامی که هدفش و مسیرش الهی و رضایت او باشد، پیروز و غالب است و در غیر این صورت امید نصرت بیهوده است (طباطبایی، ۱۳۷۵: ج ۱۷، ص ۱۷۸-۱۷۷).

تحلیل مفاهیم قرآنی نشان می‌دهد ساختار نظریه اسنادی با حفظ ساختار در قالب «امید صادق» بازتعریف می‌شود. از این رو، مؤلفه هدف از قید عدم قطعیت و محاسبات احتمالی و مادی رها شده و بر ستون‌های استوار وعده‌های تخلف‌ناپذیر الهی تکیه می‌زند: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد. برخلاف نگاه مادی که یقین به نتیجه، امید را از بین می‌برد (پرچم و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۹)؛ نگرش قرآنی آن را به اوج می‌رساند. همچنین مؤلفه راهبرد از خطر فروپاشی و بی‌احساسی که در نظریه اسنادی هنگام مسدود شدن راه‌های مادی رخ می‌دهد؛ مصون می‌ماند؛ چرا که با پیوند خوردن به سنت‌های الهی، امکان حرکت مستمر، حتی در انسداد اسباب ظاهری فراهم است. در نهایت، عاملیت از انحصار انرژی‌های روانی محدود بشری خارج و به منبع لایزال قدرت الهی و مفهوم توکل متصل می‌شود. بدین‌سان، امید صادق صورت‌بندی تعمیق یافته‌ای است که ضمن حفظ منطق شناختی-انگیزی اسنادی، شکنندگی‌های ذاتی آن را درمان کرده و امید را در افقی پایدار و معنا محور بازسازی می‌کند (همان و منصوری، ۱۳۹۹: ص ۱۲). مفهومی که در این نوشتار محور توجه بوده و با تکیه بر همین پایداری، در پیوند با مقوله انتظار، سازکار بنیادین تاب‌آوری را در نظام خانواده مهدوی شکل می‌دهد. بر این اساس، در ادامه این مقاله، هرگاه واژه امید به کار می‌رود، مقصود همان

۱. ﴿وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَلِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾؛ و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد؛ و هر کس بر خدا توکل کند، امرش را کفایت می‌کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند؛ و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است!



امید صادق با مختصات یادشده است.

«انتظار»؛ مکمل عملیاتی امید در معماری تاب‌آوری

«انتظار» در معنای دقیق خود، صرفاً حالت ذهنی یا شناختی نیست، بلکه کیفیتی درونی است که به آمادگی و جهت‌گیری پایدار برای حرکت به سوی آینده می‌انجامد. انتظار با آینده پیوند دارد، این پیوند، مبنای تنظیم رفتارها می‌شود. آنچه در این رابطه از روایات اسلامی برداشت می‌شود، گویای آن است که انتظار، یک عمل و یک اقدام است: «أَفْضَلُ أَعْمَالٍ شِيعَتِنَا إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ» (صدوق، ۱۳۵۴: ج ۲، ص ۳۷۷) و به حالتی روحی و روانی محدود نمی‌شود (میرتبار، ۱۳۹۰: ص ۲۷).

امید و انتظار هر دو آینده محورند؛ اما هم‌جنس و هم‌سطح نیستند. امید به «چرایی» حرکت ناظر است؛ سازکاری شناختی-انگیزشی که با تکیه بر باور به امکان تحقق آینده مطلوب، حتی در غیاب شواهد قطعی، انرژی روانی لازم برای تداوم مسیر را فراهم می‌کند. برای نمونه، خانواده‌ای که با فشار اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کند، صرفاً با تکیه بر امکان گشایش الهی، همبستگی و سلامت روانی خود را حفظ می‌کند؛ هرچند طرح عملی روشنی نداشته باشد. در مقابل، انتظار ناظر به «چگونگی» حرکت است؛ فرآیندی شناختی-کنشی که بر پایه ارزیابی واقع بینانه وضع موجود و تنظیم رفتار متناسب با آینده مطلوب شکل می‌گیرد. بروز عملی انتظار در خانواده زمانی دیده می‌شود که در کنار حفظ امید، به اقداماتی نظیر بازنگری در الگوی مصرف، برنامه‌ریزی مالی، مهارت‌آموزی یا تغییر سبک زندگی دست بزنند. به عبارت دیگر، انتظار تعیین می‌کند چگونه باید حرکت کرد تا آینده مطلوب تحقق یابد.

بنابراین، امید بدون انتظار، به خوش‌بینی منفعلانه فرو می‌کاهد و انتظار بی‌امید، به برنامه‌ریزی خشک و فرساینده می‌انجامد. در معماری تاب‌آوری خانواده مهدوی، امید نقش تأمین‌کننده انرژی روانی و معنابخش رنج‌ها را ایفا می‌کند؛ در حالی که انتظار، این انرژی را به رفتار مسئولانه، برنامه‌ریزی عینی و آمادگی ساختاری بدل و آن را تثبیت می‌کند. از این‌رو، در معماری تاب‌آوری نهاد خانواده مهدوی، انتظار زمانی نقش پایه تاب‌آور و تثبیت‌کننده را ایفا می‌کند که از یک مفهوم انتزاعی خارج شده و در قالب سه مؤلفه عینی و رفتاری زیر متجلی



شود:

۱. **ارزش‌گذاری:** مقصود از ارزش‌گذاری آن است که هدف متعالی آینده، به معیار سنجش و تنظیم رفتارهای اکنون تبدیل شود. در منطق انتظار، فرد منتظر به وضع موجود قانع نیست و با تشخیص فاصله میان وضعیت فعلی و وضعیت مطلوب (موعود)، به انتخابی آگاهانه دست می‌زند. در سطح خانواده نیز این مؤلفه مانع فروغلتیدن اعضا به روزمرگی می‌شود و سبب می‌گردد تصمیم‌ها و اولویت‌های زندگی بر اساس نسبت آن‌ها با «خوب مطلق» تنظیم شود؛ امری که به تدریج، نظام معنایی خانواده را شکل می‌دهد. در این افق، کار زیاد، کار مضر، هدف‌گیری جایی که هدف نیست و غفلت از جایی که باید هدف باشد؛ همگی آفات راه به شمار می‌آیند، بایست [به آن] توجه داشته باشیم (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ص ۴۵).

۲. **مسئولیت‌پذیری:** منتظر خود را تماشاگر منفعل نمی‌بیند، بلکه در وضعیتی شبیه «آماده‌باش» قرار دارد؛ به این معنا که آنچه را باید انجام دهد، می‌شناسد و برای اجرای آن مهیا می‌شود. همان‌گونه که انتظار حضور مهمانی عزیز به بی‌تحریکی نمی‌انجامد، بلکه به نظم بخشی، آمادگی و سامان دهی فضا منتهی می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ص ۴۴)؛ انتظار در بستر خانواده نیز به کنش‌های آماده‌ساز و هدفمند می‌انجامد. مسئولیت‌پذیری در اینجا یعنی اعضای خانواده برای تحقق آینده‌ای مطلوب، منفعل نمی‌مانند، بلکه با تعهد به خودسازی و جامعه‌سازی، با اصلاح امور و مراقبت در برابر خطر، در مسیر رسیدن به هدف حرکت می‌کنند (آل عمران: ۲۰۰؛ نساء: ۷۱) (آقاجانی، ۱۳۹۹: ص ۱۱۷). بدین ترتیب، انتظار خود را در قالب احساس وظیفه، اقدام اصلاحی و مشارکت فعال در ساختن آینده نشان می‌دهد.

۳. **صبر فعال:** «صبر فعال»، نه به معنای نشستن و دست روی دست گذاشتن است و نه به معنای بی‌صبری و پا به زمین کوبیدن کودکانه برای رسیدن زودرس به نتیجه (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ص ۵۳). این صبر، نوعی کنش‌گری آگاهانه است که لزوماً همیشه به معنای اقدام فیزیکی یا ایجابی نیست؛ بلکه در مواقع لزوم، ابعاد سلبی (نظیر عدم همراهی با باطل و بی‌عملی هدفمند) را نیز در بر می‌گیرد. مصداق بارز این کنش سلبی در مکالمه عبدالحمید واسطی با امام باقر (ع) نمایان است؛ آنجا که راوی از رها کردن بازارها و مناسبات روزمره به نیت انتظار سخن می‌گوید «لَقَدْ تَرَكْنَا أَشْوَاقَنَا إِنْتِظَارًا هَذَا الْأَمْرِ» و امام این کنش سلبی و بازدارنده را



به عنوان «حبس نفس در راه خدا و اهل بیت» «حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَى اللَّهِ / عَلَيْنَا» تأیید می‌کنند و چنین منتظری را هم‌رتبه با شهید در رکاب حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَام می‌دانند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۴۴). این مؤلفه مانع آن است که دشواری‌ها و طولانی شدن زمان، به فرسایش انگیزه و فروپاشی امید بینجامد. در این نگرش، خانواده منتظر مانند کوهنوردی است که سختی راه را می‌بیند؛ اما به جای توقف یا ناامیدی، قدم‌هایش را استوارتر برمی‌دارد؛ زیرا آینده روشن را قطعی می‌داند؛ هرچند رسیدن به آن را به استقامت در میدان عمل مشروط می‌بیند. در روایات، تعبیرهایی مانند «والله لتمعصن» و «والله لتغربلن» (طوسی، ۱۴۲۵: ص ۳۴۰)؛ بیانگر آن است که مؤمنان در دوران غیبت در کوره‌های آزمون وارد می‌شوند و پس از پالایش، سربلند بیرون می‌آیند: «هَلَكَ الْمُتَمَتُّونَ وَ اِضْمَحَلَّ الْمُضْمَحِلُّونَ وَ بَقِيَ الْمُؤْمِنُونَ»؛ آرزومندان هلاک شوند و از هم گسیختگان پراکنده شوند و مؤمنان بر جای بمانند» (نعمانی، ۱۳۵۶: ص ۱۹۶).

بر این اساس، انتظار پویا را می‌توان سازکاری دانست که امید را از سطح گرایش ذهنی فراتر برده و آن را به کنشی پایدار و تنظیم‌شده در بستر زندگی فردی و خانوادگی تبدیل می‌کند.

نسبت امید و انتظار در تولید تاب‌آوری

امید و انتظار دو سازکار متمایز، اما مکمل در معماری تاب‌آوری خانواده‌اند. تاب‌آوری پایدار زمانی شکل می‌گیرد که هر یک از اجزای سه‌گانه امید (هدف‌مندی، راهبرد، عاملیت)، با جزء متناظر خود در مؤلفه‌های انتظار (ارزش‌گذاری، مسئولیت‌پذیری، صبرفعال) جفت شوند:

هدف‌مندی همراه با ارزش‌گذاری: انسان همواره درصدد یافتن منبعی امید بخش بوده است تا با انرژی آن بتواند موانع موجود در زندگی را رفع کند. در علم روانشناسی، داشتن هدف و آینده‌نگری کانون امید معرفی شده است؛ به گونه‌ای که معتقدند انسان تنها با نگرش به آینده می‌تواند زندگی کند و بدون اعتقاد به آینده، محمل معنوی زندگی از میان می‌رود و جسم به سرعت محکوم به فنا می‌گردد. باید برای زندگی دلیلی داشت؛ وگرنه زندگی معنای خود را از دست می‌دهد (شولتز، ۱۳۸۸: ص ۱۶۵ و ۱۶۶). بنابراین، باید به دنبال هدف و آینده‌ای بود تا زندگی را با امید توأم کند و چه هدفی بهتر از وعده قطعی خداوند بر تشکیل حکومت حق مهدوی در جهان (نور: ۵۵) که نیروی امید را در روح فرد و جامعه می‌دمد و پشتوانه‌ای محکم

برای فعالیت هاست (ملایی، ۱۳۹۶: ص ۲۱). بدیهی است وقتی به رسیدن مقصد امید داشته باشیم، این امیدواری در حرکت و اقدام برای ظهور بروز پیدا می‌کند، وقتی هدف که وعده قطعی الهی است با ارزش‌گذاری ترکیب شود؛ رفتارها و تصمیم‌گیری‌ها در زندگی با هدف سنجیده می‌شوند تا از مسیر منحرف نشود. بر این اساس، هدف‌مندی و ارزش‌گذاری باعث می‌شوند تا فرد و خانواده با حفظ بصیرت و ثبات قدم، دچار انحراف نشود و اولویت‌هایش با تغییر شرایط اقتصادی یا فرهنگی عوض نگردد.

راهبرد همراه با مسئولیت‌پذیری: مؤلفه راهبرد، هرچند شرطی لازم برای حرکت هدفمند است؛ به‌تنهایی برای تحقق کنش اجتماعی کافی نیست. راهبرد، صرفاً نقشه راه و چارچوب شناختی حرکت را فراهم می‌سازد و به فرد نشان می‌دهد «چه باید کرد» و «در چه مسیری باید حرکت کرد». با این حال، آنچه این نقشه را به حرکت واقعی تبدیل می‌کند، حس مسئولیت‌پذیری است. انتظار صحیح، جایگزین انفعال نمی‌شود، بلکه منتظران را نسبت به اعمال و رفتار خود، دیگران و جامعه مسئول می‌سازد (مفتاح و محمدی، ۱۳۹۷: ص ۱۷). بر این اساس، راهبرد به بعد شناختی کنش ناظر است و مسیر حرکت را شفاف می‌کند؛ مسئولیت‌پذیری به بعد رفتاری-اخلاقی ناظر است و فرد را وادار می‌کند در این مسیر گام بردارد. هم‌افزایی این دو مؤلفه، مانع از آن می‌شود که خانواده در سطح آگاهی یا ارزش‌گذاری ذهنی متوقف بماند. در نتیجه، خانواده مهدوی از واحد ارزشی منفعل به واحد کنشگر اجتماعی متعهد و کارآمد تبدیل می‌شود؛ واحدی که انتظار را نه در گفتار، بلکه در عمل و سبک زندگی روزمره متجلی می‌سازد (همان).

عاملیت همراه با صبر فعال: عاملیت در توکل و اعتماد به هدایت الهی ریشه دارد. فرد، خود را رها شده یا بی‌تأثیر نمی‌بیند، بلکه با اتکا به وعده‌های الهی، خویش را کنشگری فعال در مسیر تحقق اهداف الهی می‌داند. آیه شریفه: «وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَ لَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْنُمُونَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ» (نحل: ۴۲) به روشنی نشان می‌دهد که توکل (به مثابه مبنای عاملیت) و صبر، دو مؤلفه به هم پیوسته‌اند: توکل، حرکت را آغاز و صبر، استمرار آن را تضمین می‌کند؛ فرد را در برابر مشکلات مقاوم می‌سازد و به او توان پایداری و شادابی در مسیر زندگی می‌بخشد. این پایداری، حاصل صبری است که فعال، آگاهانه و



هدفمند است، نه صبری منفعلانه و توجیه‌گر سکون. بنابراین، عاملیت همچون موتور محرک کنش عمل و فرد را از درماندگی و انفعال خارج می‌کند؛ صبر فعال نقش مدیریت منابع روانی و هیجانی را بر عهده دارد و مانع فرسایش، ناامیدی یا شتاب‌زدگی می‌شود و در پرتو هم‌افزایی این دو مولفه است که خانواده مهدوی می‌تواند پایدار، متعادل و معنادار باقی بماند.

در سایه امید است که انتظار مفهوم می‌یابد و فرد منتظر ناملازمات را تحمل می‌کند تا هویت و حیات اجتماعی خویش را از دست ندهد و بتواند به زندگی ادامه دهد. در مقابل، انتظار این ظرفیت را به کنش هدفمند تبدیل کرده و با تنظیم تصمیم‌ها، اولویت‌ها و رفتارها، مسیر حرکت خانواده را برای آینده مطلوب سامان می‌دهد. کاهش انرژی روانی از طریق بازسازی امید جبران می‌شود و ابهام در مسیر با پایداری انتظار اصلاح می‌گردد. برآیند این نسبت، شکل‌گیری تاب‌آوری است که نه صرفاً حالتی ذهنی، بلکه فرایندی انگیزشی، شناختی و کنش‌محور در بستر زندگی خانوادگی به شمار می‌آید.

تعامل امید و انتظار در سطح خانواده

اگرچه امید و انتظار مفاهیمی فردی به نظر می‌رسند؛ در بستر خانواده به پدیده‌هایی بین‌فردی تبدیل می‌شوند. در سطح خانواده، تعامل این دو سازه، ویژگی‌های فردی هر عضو را به یک الگوی نظام‌مند و خودتکرار تبدیل می‌کند (Walsh, 2016: p. 75). تاب‌آوری خانواده محصول هم‌افزایی امید و انتظار در فضای خانوادگی است.

سرایت هیجانی امید: امید در والدین، فراتر از باوری ذهنی، نوعی فرکانس روانی است که هیجانات مثبت آن از طریق فرآیند سرایت هیجانی به فرزندان منتقل می‌شود (Hatfield et al., 1994: p. 150). یقین والدین به تحقق وعده‌های الهی، اضطراب‌های محیطی را فیلتر کرده و فضای خانواده را به محیطی امن و حمایت‌کننده تبدیل می‌کند. این جریان، سوخت روانی لازم را برای مواجهه با بحران‌ها و استقامت در مسیر زندگی خانوادگی تأمین می‌کند و به‌طور غیرمستقیم امید اعضای خانواده را بازتولید می‌کند.

الگوسازی عملی انتظار: در حالی که امید حس و انگیزه ایجاد می‌کند، انتظار باید دیده و عمل شود. فرزندان، انتظار را از طریق مشاهده رفتارهای آماده‌ساز والدین می‌آموزند، نه صرفاً از

طریق موعظه (ستوده، ۱۳۹۴، ص ۱۱۵). در خانواده منتظر، سبک زندگی، اولویت بندی تصمیمات و رفتارهای روزمره با اهداف ارزشمند آینده هماهنگ می شود؛ به گونه ای که تصمیمات فردی و خانوادگی با هدف های کلان و خرد ارزشیابی و اولویت بندی می شوند. انتظار، امید انتزاعی را به برنامه عملیاتی تبدیل و از انحراف انگیزه ها به آرزوهای واقعی جلوگیری می کند (پسندیده، ۱۳۹۲: ص ۲۱۸ تا ۲۲۸).

مدل تعاملی امید و انتظار در تاب آوری خانواده

نوآوری این پژوهش، ارائه مدلی برای تبیین چگونگی تعامل «امید» و «انتظار» در تولید تاب آوری خانواده است. برای تبیین این مدل، به جای نگاه کمی (بررسی میزان و شدت)، از یک رویکرد کیفی و دسته بندی استفاده شده است. هر سازه متشکل از سه مؤلفه به هم پیوسته است (هدف مندی، راهبرد و عاملیت برای امید، ارزش گذاری، مسئولیت پذیری و صبر فعال برای انتظار). در این چارچوب، شرط تحقق وضعیت «مطلوب»، حضور هماهنگ هر سه مؤلفه است. بنابراین، فقدان یا نقص در هر یک از مؤلفه ها باعث می شود تا آن سازه از حالت «مطلوب» خارج شود و ماهیت آن تغییر کند. بر این اساس، با تقاطع دو وضعیت (مطلوب / ناقص) برای سازه «امید» و دو وضعیت (مطلوب / ناقص) برای سازه «انتظار»، یک جدول شکل می گیرد که خروجی آن، چهار نوع اصلی از خانواده هاست. این دسته بندی به شفافیت نظری مدل کمک می کند.

بر اساس تقاطع دو وضعیت (مطلوب / ناقص) برای امید و انتظار، چهار تیپ خانوادگی قابل شناسایی است:

وضعیت امید	وضعیت انتظار	تیپ خانواده
ناقص	ناقص	۱. خانواده گسسته
مطلوب	ناقص	۲. خانواده آرزومند
ناقص	مطلوب	۳. خانواده فرسوده
مطلوب	مطلوب	۴. خانواده تاب آور مهدوی



تحلیل سطوح چهارگانه

۱. خانواده گسسته

این پایین‌ترین سطح حیات اجتماعی است. خانواده نه افقی روشن در ذهن دارد و نه تکاپویی برای تغییر در رفتار. این گروه در برابر چالش‌های دوران غیبت، کاملاً خلع سلاح هستند. آن‌ها یا در روزمرگی غرق شده و یا دچار یأس فلسفی شده‌اند. استعداد تاب‌آوری در این سطح به حداقل ممکن می‌رسد و خانواده عملاً فاقد هرگونه سرمایه روان‌شناختی برای مقابله با بحران‌هاست و خانواده در معرض فروپاشی ساختاری یا انحراف عقیدتی کامل قرار دارد. فقدان معنویت و دینداری به افت شدید امیدواری و عزت‌نفس منجر می‌شود (نجفی و همکاران، ۱۴۰۶: ص ۳۳). بدون این منابع درونی، فرد هیچ سپری در برابر استرس‌های محیطی ندارد (صدیقی، ۱۴۰۰: ص ۲۱). این گروه به درماندگی آموخته شده دچار هستند. چون نه به خدا (منبع بیرونی) وصل‌اند و نه خودکارآمدی (منبع درونی) برای تغییر دارند، از نگاه روان‌شناسی، فروپاشی این خانواده صرفاً یک پدیده اجتماعی نیست، بلکه ریشه در «از دست دادن معنای زندگی» دارد. در این سطح، چون خانواده نه امیدی به آینده دارد و نه برای تغییر اوضاع تلاشی می‌کند، عملاً انگیزه و عامل محرک زندگی‌اش خاموش می‌شود. رضایت از زندگی، به هدف‌مندی و داشتن نگاه مثبت به آینده وابستگی شدیدی دارد. از آن‌جا که این خانواده از هیچ پناهگاه و پشتوانه معنوی برخوردار نیست، در برابر فشارهای دوران غیبت کاملاً بی‌دفاع می‌ماند. در نتیجه، سختی‌ها و بحران‌های محیطی مستقیماً روان اعضای خانواده را در هم شکسته و آن‌ها را به سمت ناامیدی و استیصال مطلق می‌کشاند (مصلحی و همکاران، ۱۴۰۴: ص ۳۱).

خروج این خانواده از بن‌بست روانی به بازسازی دو محور اساسی نیازمند است: نخست، بازیابی معنا (اتصال بیرونی): تثبیت باور به سنت الهی و پیروزی نهایی حق. این امر، سختی‌ها را به فرصتی هدفمند تبدیل و انگیزه را با اتکا به مدد الهی احیا می‌کند؛ دوم، فعال‌سازی کنشگری (عاملیت درونی): شکستن «درماندگی آموخته شده» از طریق اجرای مسئولیت‌های خُرد با نیت مهدوی. این حرکت، احساس خودکارآمدی را تقویت و بنیان روانی



خانواده برای استقامت را بازتولید می‌کند.

۲. خانواده آرزومند

خانواده‌ای که صرفاً دارای خوش‌بینی یا شناختی سطحی نسبت به آینده است، بدون آن که این نگرش مثبت به کنشگری هدفمند منجر شود. شاید اهل دعا و مناسک باشند؛ اما این باور به اقدام عملی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تبدیل نشده است. در این جا با امید کاذب یا انتظار منفعل روبه‌رو هستیم. طبق قرآن، این گروه دچار «أُمْنِیَّة»^۱ (آرزوی خام) هستند (جعفری هَرفته و کاویانی آرانی، ۱۴۰۲: ص ۸۰ و خلیلیان شلمزاری، ۱۴۰۰: ص ۵). این خانواده، حال خوبی دارد؛ اما کارکرد اجتماعی ندارد. این تاب‌آوری کاذب است و با نخستین بحران جدی که به اقدام یا با اولین فشار واقعی که به هزینه دادن و صبر عملی نیازمند باشد، چون عادت به رنج کشیدن در راه هدف (صبر فعال) ندارد، فرومی‌ریزد، و به سرخوردگی دچار می‌شود. نهادهای تربیتی باید به جای تأکید صرف بر مباحث کلامی مهدویت و تقویت امید، بر تعریف نقش‌های عملیاتی برای خانواده‌ها و تقویت انتظار رفتاری تمرکز کنند تا این خطر کاهش یابد.

بنابراین، این خانواده باید از توهم و آرزومندی خام به سمت تاب‌آوری حقیقی، حرکت کند، برای این کار، خانواده باید دریابد که تحقق وعده‌های الهی، با وجود حتمی‌بودن، در گرو بسترسازی و اراده انسانی است. این تغییر بینش، دعا و مناسک را از یک مسکن روانی صرف، به موتور محرکه‌ای برای پذیرش مسئولیت در قبال جامعه تبدیل کرده و به خانواده می‌آموزد که در هندسه الهی، انتظار یک عمل و مجاهدت مستمر است. گام دوم، تمرین صبر فعال و درگیری تدریجی با واقعیت‌های میدان است. خانواده برای رهایی از شکنندگی ناشی از این خوش‌بینی سطحی، نقش‌های خرد اجتماعی و حمایتی را بر عهده بگیرد. ورود به میدان اقدام و تمرین هزینه دادن‌های کوچک در مسیر آرمان‌ها، آن حباب شیشه‌ای را به ایمان محکم تبدیل می‌کند و ظرفیت و تاب‌آوری خانواده را برای تحمل رنج‌های معنادار در بحران‌های واقعی، به شکلی بنیادین ارتقا می‌بخشد.

۱. «وَلَا ضَلَالَةٌ لَهُمْ وَلَا أُمْنِيَّةٌ»؛ و آن‌ها را گمراه! و به آرزوها سرگرم می‌کنم!.

۳. خانواده فرسوده

این سطح شامل خانواده‌ها یا فعالان فرهنگی است که به شدت در حال تلاش و دوندگی هستند؛ انتظار رفتاری دارند؛ اما اتصال قلبی آن‌ها با منبع قدرت (خداوند) قطع یا ضعیف شده است. این گروه اغلب به سکولاریسم پنهان دچار می‌شوند؛ یعنی شکل کنش‌گری‌های ظاهری و تقلای عملی وجود دارد، اما عامل محرک و معنابخش آن، یعنی «امید» و پیوند قلبی با مبدأ قدرت الهی، غایب یا بسیار کم‌رنگ است. این گسست، شکافی عمیق میان رفتار بیرونی و باور درونی ایجاد می‌کند که پیامد آن، شکل‌گیری نوعی «معنویت کاذب» در نهاد خانواده است؛ بدین معنا که خانواده در ظاهر دینی و تحت لوای انتظار تلاش می‌کند؛ اما چون کنش‌هایش فاقد افق قدسی و پشتوانه هستی‌شناختی امید است، به سرعت به اصطکاک و فرسایش روانی دچار می‌گردد (پارسانیا، ۱۳۹۹: ص ۱۸-۲۱). حرکت وجود دارد؛ اما با اصطکاک بالا و حال بد. این خانواده مستعد بریدن از مسیر یا پرخاشگری است؛ این خانواده به نوعی اضطراب ناظر به نتیجه درگیر است؛ نگرانی دائم از عدم تحقق اهداف که ناشی از ضعف در باور به سنت‌های تخلف‌ناپذیر الهی در نصرت دین است. تاب‌آوری آن‌ها شکننده است و خطر بریدن از مسیر به دلیل فشار عصبی بالا، آن‌ها را تهدید می‌کند.

برای پیشگیری لازم است خانواده‌های دغدغه‌مند، مداوم با بازخوانی سنت‌های پیروزی الهی و پرهیز از نتیجه‌گرایی صرف، مخزن امید خود را شارژ کنند؛ به این معنا که اعضای خانواده در عین تقلا و تلاش فراوان، به یاد می‌آورند که قدرت و اراده نهایی در دست خداست. آن‌ها با این تغییر نگرش، بار سنگین نگرانی برای نتیجه را از دوش خود برداشته و به قدرت بی‌نهایت خداوند می‌سپارند. این درک درست و عمیق از توکل، اضطراب و خستگی آن‌ها را به آرامش فعال و پویا تبدیل می‌کند (شجاعی و شجاعی، ۱۴۰۴: ص ۸-۷).

بنابراین، این خانواده باید باور خود را به این حقیقت عمیق‌تر کند که هندسه عالم بر مدار سنت‌های لایتغیر الهی می‌چرخد و گشایش نهایی و تحقق پیروزی، صرفاً به مدد الهی و اراده او گره خورده است. این نگرش کمک می‌کند تا تضمین نتیجه از دوش روان خسته خانواده برداشته شود و اضطراب آن‌ها را التیام بخشد. همچنین وقتی خانواده کنشگری خود را متصل به وعده حتمی الهی و اراده امام ببیند، تاب‌آوری آن در برابر شکست‌های مقطعی بالا می‌رود،



اصطکاک درونی را به حداقل و دوندگی‌های پرهزینه را به جهاد آرام، مستمر و باطراوت تبدیل می‌کند.

۴. خانواده تاب‌آور مهدوی

خانواده‌ای که هم امید صادق دارد، یعنی به وعده الهی باور قطعی دارد و در مسیر سنت‌های الهی قدم بر می‌دارد و به امداد الهی متکی است و هم انتظار پویا دارد، یعنی اولویت‌ها و انتخاب‌های خود را با باور تنظیم می‌کند و نسبت به افراد خانواده و جامعه، متعهد و مسئولیت‌پذیر است و در برابر سختی‌ها مقاومت می‌کند. وقتی فشار زیاد می‌شود، امید به آن‌ها انرژی تزریق می‌کند و مانع افسردگی می‌شود. وقتی مسیر طولانی می‌شود، انتظار آن‌ها را در صحنه نگه می‌دارد و مانع تنبلی می‌شود. این خانواده، مصداق «رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ وَ أَسَدٌ بِالنَّهَارِ» (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۲۳۲) (راهبان شب و شیران روز) است؛ ترکیبی است از مناجات امیدوارانه و رزم منتظرانه. این وضعیت ایده‌آل است. خانواده هم «سوخت روانی» (امید: یقین و توکل) دارد و هم «موتور حرکتی» (انتظار: عمل و مسئولیت) و چون همه اجزا کامل هستند، تاب‌آوری در بالاترین سطح است. سختی‌ها معنادار می‌شوند و بن‌بست وجود ندارد، این سبک زندگی، بهزیستی روان‌شناختی و معنوی اعضای خانواده را به طور معناداری ارتقا می‌دهد (سید کلان و رضایی شریف، ۱۳۹۵: ص ۱۷۶).

در این خانواده، مؤلفه‌های امید و انتظار در هماهنگی کامل با یکدیگر عمل کرده و سه شاخص کلیدی تاب‌آوری را به اوج می‌رسانند:

معنادرمانی رنج‌ها: در این خانواده، فشارهای زمانه دیگر مانند خانواده فرسوده عامل فرسایش نمی‌شوند و مانند خانواده گسسته به درماندگی نمی‌انجامند. راز این تاب‌آوری، در تغییر هوشمندانه «هدف» است. در روان‌شناسی امید، اگر رسیدن به هدف بیش از حد به تأخیر بیفتد، انگیزه کاهش می‌یابد؛ اما راهکار خانواده مهدوی، انتقال تمرکز از «زمان وقوع ظهور» به فرآیند «منتظر بودن» است که بیش‌ترین ظرفیت را برای معناداری زندگی فراهم می‌کند (همان، ص ۱۴) و هدف رسیدن به شایستگی یاری امام و ساختن هویت منتظر می‌شود. با این تغییر نگرش و با تکیه بر حکمت و خواست خداوند، سختی‌های زندگی دیگر بُن‌بست آزار دهنده



نیستند، بلکه به فرصتی برای رشد و نزدیکی به خدا تبدیل می‌شوند. این باعث می‌شود اعضای خانواده همواره به آینده امیدوار باشند و در دل رنج‌ها احساس حمایت کنند. در این دیدگاه، حتی اگر خانواده‌ای پیش از ظهور از دنیا برود، باز هم به هدف خود رسیده است؛ زیرا در مسیر بندگی گام برداشته است. در روایت از امام صادق علیه السلام آمده است: «هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ؛ کسی که در حال انتظار از دنیا برود، همچون کسی است که در خیمه قائم همراه اوست» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۰۰). این آموزه‌ها نشان می‌دهند که در منطق انتظار، ارزش اصلی در «مسیر بودن» و رشد در فرایند بندگی است، نه صرفاً در تحقق زمان ظهور؛ وقتی رنج‌ها این‌گونه معنا و هدف پیدا کنند، اضطراب «نرسیدن» به آرامش «در مسیر بودن» تبدیل می‌شود و اعضای خانواده به جای تسلیم شدن، پخته‌تر و قوی‌تر شده و با اراده‌ای محکم‌تر به مسیر خود ادامه می‌دهند.

مدیریت زمان و ابهام: برتری این خانواده، تاب‌آوردن در برابر طولانی شدن مسیر و ابهامات زمانه است. یکی از آسیب‌های انتظار، عجله و شتاب نادرست برای تغییر وضعیت بدون آماده‌سازی لازم است؛ اما خانواده تاب‌آور مهدوی به جای تلاش برای تسریع ظاهری تاریخ، بر افزایش عمق و کیفیت آمادگی خود تمرکز می‌کند و با مجهز شدن به «صبرفعال» و پایداری بر تکالیف الهی در دل مصائب؛ مانند خانواده آرزومند که در تله انفعال و آرزومندی بی‌عمل می‌افتد، در این تله نمی‌افتد. پیام اصلی و درونی خانواده این است: «مهم نیست ظهور چه زمانی رخ می‌دهد؛ مهم این است که ما در زمان وقوع آن تا چه اندازه آماده‌ایم.» با این چرخش راهبردی، زمان غیبت برای آن‌ها بستری تعلیق‌آور نیست، بلکه میدان تکاپوی متعهدانه در حال است. انرژی روانی خانواده از حسرت آینده به ساختن امروز هدایت می‌شود؛ چرا که نگاهشان به تحقق قطعی سنت‌های تخلف‌ناپذیر الهی گره خورده است؛ باوری که به آن‌ها اطمینان می‌دهد تمام تلاش‌هایشان نهایتاً به سرانجام خواهد رسید. در این زمینه، امام صادق علیه السلام در مواجهه با ابهام زمان غیبت و پاسخ به فردی که از طولانی شدن زمان ظهور پرسیده بود؛ می‌فرماید: «يَا مُهْزَمُ! كَذَبَ الْمُتَمَوِّنُونَ، وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ، وَ نَجَا الْمُسْلِمُونَ؛ ای مهزم! آرزواندیشان دروغ گفتند، شتاب‌زدگان هلاک شدند و تسلیم‌شدگان [آنان که فعالانه به اراده الهی گردن نهادند] نجات یافتند» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۹۸).

به نظر می‌رسد این روایت، الگویی الهام‌بخش است؛ به‌گونه‌ای که طرد انفعال (كَذَّبَ اَلْمُتَمَنُّونَ) و پرهیز از اضطراب شتاب‌زده (هَلَكَ اَلْمُسْتَعْجِلُونَ)، مصونیت‌بخش خانواده در برابر آسیب‌های دو سطح «آرزومند» و «فرسوده» است. در نهایت، دستیابی به بهزیستی روانی از مسیر پذیرش فعالانه (وَجَا اَلْمُسْلِمُونَ)، همان الگویی است که می‌توان تجلی آن را در خانواده تاب‌آور مهدوی مشاهده کرد.

انتقال بین‌نسلی: این خانواده «زیست منتظرانه» را به جای مناسکی خشک و نگران‌کننده، در قالب حماسه‌ای بانشاط و هدفمند برای نسل بعد روایت می‌کند (محمدی منفرد و کاکاوند، ۱۴۰۳: ص ۲۷۳). از آن‌جا که انسان؛ بر زمان وقوع ظهور کنترل ندارد؛ این خانواده برای حفظ حس عاملیت، نگرش خود را تغییر داده و بر «نقش‌آفرینی در داستان ظهور» تمرکز می‌کند. اعضای خانواده و به‌ویژه فرزندان خود را بازیگرانی فعال در یک روایت الهی بزرگ می‌دانند؛ جایی که هر کار کوچک (از خدمت به دیگران تا خودسازی) قطعه‌ای از پازل ظهور را کامل می‌کند. تعریف برنامه‌ها و عهده‌های مشترک معنوی در خانه، احساس اثرگذاری را تقویت می‌کند و مانع احساس ناتوانی در برابر گذر زمان می‌شود. در چنین اتمسفری، فرزندان تربیت مهدوی را به مثابه سبک زندگی قدرتمندانه درونی می‌سازند و ترغیب می‌شوند تا مسئولانه زمینه لازم برای ظهور را فراهم سازند (سید کلان و رضایی شریف، ۱۳۹۵: ص ۱۸۵) و به جای اضطراب، شجاعت کنشگری و حلاوت ارتباط با آسمان را یاد بگیرند و خود را حلقه‌ای اثربخش از زنجیره متصل به پیروزی نهایی می‌دانند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تقلیل دادن «تاب‌آوری خانواده مهدوی»، به مجموعه‌ای از توصیه‌های انتزاعی اخلاقی یا تکنیک‌های صرفاً روان‌شناختی، پاسخگوی پیچیدگی‌های زیست مؤنانه در عصر غیبت نیست. بر اساس مدل «تاب‌آوری تعاملی»، بقا، بالندگی و عبور سلامت خانواده از تلاطم‌های این دوران، در گرو پیوند ارگانیک و گردش مستمر جریان حیات‌بخش میان دو عنصر «امید» و «انتظار» است. عدم تعادل در این چرخه، خانواده را از مسیر کمال خارج کرده و به ورطه آسیب‌هایی چون انفعال و آرزومندی بی‌عمل (توهم) و یا



دوندگی‌های منقطع از آسمان (فرسودگی) سوق می‌دهد؛ اما خانواده‌ای که توانسته است این الگو را در درون خود اجرا کند، در مواجهه با بحران‌های سهمگین، اعم از فتنه‌های اجتماعی، تنگناهای اقتصادی یا هجمه‌های فرهنگی، درهم نمی‌شکند، بلکه با تکیه بر معنادرمانی الاهیاتی، این رنج‌ها را به سوختی برای ارتقای ظرفیت وجودی و شتاب گرفتن در مسیر رشد تبدیل می‌کند؛ همان حقیقتی که قرآن کریم از آن با عنوان افزون شدن ایمان در دل سختی‌ها یاد می‌کند.

این پژوهش این نکته را بیان می‌کند که در جامعه منتظر باید از رویکردهای تک‌بعدی به شدت پرهیز کرد. پمپاژ هیجانی امید بدون عمل، و یا فشار طاقت‌فرسا برای ادای تکلیف بدون پشتوانه معنایی و شناختی، راه به جایی نمی‌برد، بلکه رسالت اصلی، تسهیل‌گری برای تکمیل پازل مؤلفه‌ها در روان خانواده است. در الگوی غایی خانواده مهدوی، یقین و توکل به خدا و آرامش عمیق درونی با تعهد و مسئولیت‌پذیری و تکاپوی بی‌وقفه بیرونی هم‌افزایی می‌کنند و سدی نفوذ ناپذیر در برابر شدايد آخرالزمانی بنا می‌سازند؛ ترکیبی که خانواده را از واحدی منفعل، به سلول بنیادین مقاومت و تمدن‌سازی مبدل می‌سازد.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، بیروت، دارالحیاه.
۲. آخوندی، محمد باقر (۱۳۸۶). «انتظار فرج، راه برد کاهش ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی»، مشرق موعود، دوره ۱، شماره ۲.
۳. آقاجانی، نصرالله (۱۳۹۹). *سنت‌های الهی در اعتلا و انحطاط جوامع از دیدگاه قرآن و روایات*، قم، دانشگاه باقر العلوم علیه السلام.
۴. جوکار، بهرام (بی‌تا). «نقش واسطه‌ای تاب‌آوری در رابطه بین هوش هیجانی و هوش عمومی با رضایت از زندگی»، دوفصلنامه انجمن روانشناسی ایران، دوره ۲، شماره ۲.
۵. پارسانیا، حمید (۱۳۹۹). «سکولاریسم پنهان آری یا نه؟»، رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی، دوره ۳۳، شماره ۱۱۴.
۶. پرچم، اعظم؛ فاتحی زاده، مریم و محققان، زهرا (۱۳۹۲). «ابعاد سه گانه‌ی نظریه امید انسانی‌در و تطبیق آن با دیدگاه قرآن کریم»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دوره ۱۹، شماره ۲.
۷. پسندیده، عباس (۱۳۹۲). *الگوی اسلامی شادکامی با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا*، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحديث.
۸. جعفری هُرفته، مجید و کاویانی آرانی، محمد (۱۴۰۲). «بررسی روان‌شناختی موانع امید در جامعه از منظر قرآن»، تربیت متعالی، دوره ۲، شماره ۱.
۹. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸). *نگاهی به نظریه انتظار: در اندیشه‌ی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)*، انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۰. خلیلیان شلمزاری، محمود (۱۴۰۰). «مؤلفه‌ها و مدل مفهومی امید بر اساس آیات قرآن کریم: خوانشی با رویکرد روانشناختی»، روانشناسی فرهنگی، دوره ۲، شماره ۲.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴). *مفردات الفاظ قرآن*، مترجم: غلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی.



۱۲. ستوده، محمد و همکاران (۱۳۹۴). *خانواده و تربیت مهدوی*، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۱۳. سیدکلان، سیدمحمد و رضایی شریف، علی (۱۳۹۵). «*اثر بخشی آموزش سبک زندگی مبتنی بر مهدویت در بهزیستی روان شناختی و معنوی دانش آموزان*»، مشرق موعود، دوره ۱۰، شماره ۴۰.
۱۴. شولتس، دوآن (۱۳۸۸). *روانشناسی کمال*، مترجم: گیتی خوشدل، تهران، نشر پیکان.
۱۵. شجاعی، محمدصادق و شجاعی، محمدمهدی (۱۴۰۴). «*مدل مفهومی تاب آوری معنوی بر اساس دعای هفتم صحیفه سجادیه*»، مطالعات اسلام و روان شناسی، دوره ۱۹، شماره ۳۸.
۱۶. صدوق، محمدبن علی (۱۳۵۴). *کمال الدین و تمام النعمة*، بیروت، دارالکتب الإسلامية.
۱۷. صدوق، محمدبن علی (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمة*، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۱۸. صدیقی، هنگامه (۱۴۰۰). «*پیش بینی امید به زندگی بر اساس خودکارآمدی عمومی و سلامت روان در بین زنان شاغل در کتابخانه های شهر کرمانشاه*»، روانشناسی و علوم رفتاری ایران، دوره ۶، شماره ۲۶.
۱۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۵ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. فاطمیان، عادل (۱۴۰۳). «*تبیین نقش اندیشه انتظار در امیدآفرینی نستیین نقش اندیشه انتظار در امیدآفرینی نسل جوان*»، پژوهش های مهدوی، دوره ۱۳، شماره ۴۹.
۲۱. طبرسی، احمدبن علی (۱۴۳۰ق). *احتجاج*، مشهد، نشرالمرتضی.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). *الکافی*، بیروت، دارالکتب الإسلامية.
۲۳. محققیان، زهرا؛ و پرچم، اعظم (۱۳۹۰). «*تحلیل اخلاقی امید با تأکید بر آیات قرآن کریم*»، پژوهشنامه اخلاق، دوره ۴، شماره ۱۳.
۲۴. محمدی منفرد، بهروز و کاکاوند، محمد (۱۴۰۳). «*نشاط، اخلاق و انتظار منجی*»، مشرق موعود، دوره ۱۸، شماره ۷۳.
۲۵. مصلحی، جواد و همکاران (۱۴۰۴). «*معماری خانواده معنوی: تبیین الگوی پنج بعدی*

مبتنی بر استنطاق از قرآن و روان‌شناسی»، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، دوره ۱۹، شماره ۳۹.

۲۶. معین، محمد (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*، تهران، انتشارات امیرکبیر.

۲۷. مفتاح، احمدرضا و محمدی، ناصر (۱۳۹۷). «نقش باور به مهدویت در معنابخشی زندگی فردی»، فصلنامه مشرق موعود، دوره ۱۲، شماره ۴۶.

۲۸. ملایی، حسن (۱۳۹۶). *سبک زندگی منتظرانه*، قم، انتشارات مرکز تخصصی مهدویت.

۲۹. ملایی، حسن (۱۴۰۴). *منزلت و مسئولیت خانواده منتظر*، قم، موسسه بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۳۰. ملکی راد، محمود (۱۳۹۵). *خانواده و زمینه سازی ظهور*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۳۱. منصوری، محمدهادی (۱۳۹۹). «تحلیل ویژگی‌های امید صادق در نظریه انتظار مقام معظم رهبری»، نشریه مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۱۷، شماره ۶۲.

۳۲. میرتبار، محمد (۱۳۹۰). *جامعه منتظر، چالش‌ها و آسیب‌ها*، کتابخانه قائمیه.

۳۳. نجفی، محمود؛ احدی، حسن؛ سهرابی، فرامرز و دلاور، علی (۱۳۹۴). «مدل پیش‌بین رضامندی زندگی بر اساس سازه‌های روان‌شناسی مثبت‌گرا»، مطالعات روان‌شناسی بالینی، دوره ۶، شماره ۲۱.

۳۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۵۶). *الغیبه*، بیروت، مکتبه الصدوق.

۳۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷). *الغیبه*، محقق: علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق.

۳۶. نفیسی، علی اکبر (۱۳۵۵). *فرهنگ نفیسی*، بی‌جا، خیام.

37. Walsh, Froma. (1996). The Concept of Family Resilience: Crisis and Challenge. *Family Process*, 35(3), 261–281.
38. Walsh, F. (2016). *Strengthening family resilience* (3rd ed.). The Guilford Press.
39. Waller, Margaret A. (2001). Resilience in ecosystemic context: Evolution



- of the concept. *American Journal of Orthopsychiatry*, 71(3), 290–297.
40. Snyder, C.R.; Rand, Kevin L.; Sigmon, David R. (2017). *Hope Theory*. (Matthew W. Gallagher, Shane J. Lopez). Oxford University Press.
41. Snyder, C. R. (2002). TARGET ARTICLE: Hope Theory: Rainbows in the Mind. *Psychological Inquiry*, 13(4), 249–275.
42. Snyder, C. R. (1994). *The Psychology of Hope: You Can Get There from Here*. Simon and Schuster.
43. Seligman, Martin E. P.; & Csikszentmihalyi, Mihaly. (2000). Positive psychology: An introduction. *American Psychologist*, 55(1), 5–14.
44. Rief, Winfried; & Anna Glombiewski, Julia. (2017). The role of expectations in mental disorders and their treatment. *World Psychiatry*, 16(2), 210–211.
45. Masten, A. S. (2001). Ordinary magic: Resilience processes in development. *American Psychologist*, 56(3), 227–238.
46. Jacquelynne S. Eccles & Allan Wigfield. (2002). Motivational Beliefs, Values, and Goals. *Annual Review of Psychology*, 53, 109-132.
47. Hatfield, E., Cacioppo, J. T., & Rapson, R. L. (1994). *Emotional contagion*. Cambridge University Press.

